

تدوین چارچوب مفهومی برای تبیین ویژگی مشارکت و تعاون در مدارس

دکتر امین باقری کراچی^۱

چکیده:

این پژوهش با هدف تدوین چارچوب مفهومی برای تبیین ویژگی مشارکت و تعاون در مدارس انجام شده است. رویکرد این پژوهش کیفی و روش آن تحلیل مضمون بود. مشارکت کنندگان این پژوهش ۱۲ نفر از متخصصان بودند که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. فرایند گزینش نمونه‌ها و گردآوری داده‌ها (اتمام نمونه‌گیری) تا اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته استفاده شد. چارچوب اصلی پرسشهای مصاحبه در مورد مشارکت و تعاون و مؤلفه‌های آن در مدرسه بود و سؤالات بعدی نیز بر حسب پاسخهای دریافتی، پرسیده می‌شدند. برای اطمینان از روایی و پایایی داده‌ها از روشهایی مانند بررسی مداوم داده‌ها، تحلیل همزمان داده‌ها، بازخورد به مصاحبه‌شوندگان، تخصیص زمان کافی و بازنگری ناظری استفاده شد. پس از تجزیه و تحلیل کیفی محتوای مصاحبه‌ها، سه مقوله حاکمیت جو مشارکتی در مدرسه، مشارکت درون - مدرسه‌ای و مشارکت و تعامل بیرونی به عنوان ابعاد چارچوب مفهومی مشارکت در مدرسه و دو مقوله تقویت کار شورایی و جو مشارکت و تعاون در مدرسه به عنوان ملاکهای بعد حاکمیت جو مشارکتی در مدرسه، سه مقوله مشارکت و تعامل میان - کلاسی، مشارکت درون - کلاسی و مشارکت در سراسر مدرسه به عنوان ملاکهای بعد مشارکت و تعامل درون - مدرسه‌ای و چهار مقوله مشارکت و تعامل با مدارس دیگر، مشارکت با محله، مشارکت و تعامل با والدین و مشارکت و همکاری با مراکز علمی، مذهبی و فرهنگی به عنوان ملاکهای بعد مشارکت و تعامل بیرونی مشخص شدند. کارگزاران آموزش و پرورش و مدارس می‌توانند از دستاوردهای این پژوهش بهره‌گیری کنند.

کلید واژگان: مدرسه، جو مشارکتی، مشارکت و تعاون در مدرسه

☑ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۴

☑ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۴

۱. دانشیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. E-mail: a.bagherikarachi@cfu.ac.ir

در طول تاریخ یکی از اساسی‌ترین ارکان جامعه، آموزش و پرورش بوده است. در جهان امروز که رشد همه‌جانبه جامعه در گرو توسعه علم و فناوری نوین است، نظامهای آموزش و پرورش از اهمیت بسیار برخوردارند. نظام آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین و حساس‌ترین زیرنظام اجتماعی نیازمند مشارکت فعال همه ذی‌نفعان است. تافلر بر ضرورت مشارکت در آموزش و پرورش قرن بیست و یک تأکید کرده و می‌گوید: هرگز در طول تاریخ موضوع ارتباط و مشارکت در امر آموزش و پرورش به این اندازه دارای اهمیت نبوده است (افخمی و همکاران، ۱۳۹۸). در واقع یکی از مهم‌ترین ویژگیهای جوامع انسانی برتر، وجود پدیده مشارکت در میان افراد، نهادها و سازمانها در امر آموزش و پرورش است. مشارکت نوعی احساس همبستگی، تعلق و تلاشهای دسته‌جمعی میان افراد یک جامعه به‌منظور نیل به نظام عادلانه اجتماعی است (گوهری و همکاران، ۱۳۹۴). مشارکت موضوعی است که امروز در سطح جهانی به‌ویژه در عرصه آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته است که به‌خلاف تصور دیدگاهی نو نیست و ریشه‌ای دیرینه در تاریخ آموزش و پرورش دارد. مشارکت از پدیده‌هایی است که از دیرباز وجود داشته و همواره با زندگی انسانها پیوند خورده است. نیاز زندگی جمعی و گروهی، وجود همکاری، مساعدت و مشارکت است که متناسب با شرایط اجتماعی در زمان و مکان خاص خود به‌صورت‌های مختلف شکل گرفته است (نوابخش و اسمی جوشقانی، ۱۳۹۱). اهمیت و ضرورت مشارکت در پژوهشهای گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است (ماکالا^۱، ۲۰۱۸). فوی^۲ (۱۹۹۷) معتقد است که مشارکت فرایندی توانمندساز است که موجب تحرک بخشی منابع محلی، به‌کارگیری گروههای متنوع اجتماعی در تصمیم‌گیری، درگیری افراد محلی در تعریف مشکلات، گردآوری و تحلیل اطلاعات و اجرای پروژه‌ها می‌شود (افضل‌خانی و عبدی پاکروان، ۱۳۹۲). طوسی (۱۳۸۴) اذعان می‌کند که افزایش مشارکت پیامدهایی مانند بالا رفتن کیفیت زندگی کاری، آسان‌شدن دگرگونی و تازه‌گردانی، افزایش روحیه و وفاداری سازمانی، پدیدآمدن احساس مالکیتها و هویت یگانه، بالا رفتن درجه بردباری و شکیبایی در برابر دیگران، گسترده‌شدن فرصت بیان آزاد احساس و عواطف و اندیشه‌های درونی، فزونی گرفتن پیوندهای صلح‌آمیز میان بالادستان و زیردستان و میان همکاران با خود به‌همراه دارد و کاهش مشارکت پیامدهایی مانند افزایش تعارض، دشمنی و رقابت کوبنده و ناسالم، افزایش میزان سرپرستی و نظارت، افزایش ترک خدمت، غیبت و تأخیر در کار، افزایش فشار عصبی و تنش در کار، افزایش ناخشنودی ذی‌نفعان و دوباره‌کاری با خود به‌همراه دارد.

نظام تعلیم و تربیت نیز در هر جامعه‌ای ذاتی مشارکت‌جویانه دارد، چرا که ماهیت وجودی این نظام برآمده از نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده است و در پیوند فعال با آنها عمل می‌کند (قاسمی پویا، ۱۳۸۱).

1. Mäkelä

2. Foy

مدرسه یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، تربیتی و آموزشی و اصلی‌ترین رکن آموزش و پرورش است که نیازمند مشارکت فعال همه ذی‌نفعان است. مشارکت و تعاون در مدرسه به معنای داشتن مدرسی است که همه افرادی که با محیط مدرسه در ارتباط‌اند، در برنامه‌ریزی امور مدرسه به نوعی مشارکت دارند (ماکلا، ۲۰۱۸؛ سانوف، ۲۰۰۹). در مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز در کنار ویژگی‌هایی مانند ساده‌سازی، پالایش، متناسب‌سازی، تعادل و انعطاف‌پذیری به مشارکت و تعاون به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم مدرسه (مدرسه صالح) اشاره شده است. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی، در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به عنوان یکی از اهداف کلان ذکر شده است. در بخش راهبردهای کلان سند مذکور، به تقویت و نهادینه‌سازی مشارکت اثربخش و مسئولیت‌پذیری مردم، خانواده و سایر نهادها در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (هدف کلان شماره ۵) و تعامل اثربخش و فعال نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با سایر نهادها و دستگاه‌های مرتبط به‌ویژه نهاد خانواده و رسانه با تأکید بر کاهش مرزهای تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی (هدف کلان شماره ۸) اشاره شده است.

از آنجا که انسانها در جامعه متولد می‌شوند و در جامعه رشد می‌کنند، تربیت آنان باید اساساً اجتماعی باشد، لذا فضای حاکم بر محیط‌های تربیتی باید به‌گونه‌ای باشد که شخصیت متربیان را از شکل‌گیری فردگرایی و رقابت‌گرایی مخرب دور نگه دارد و بجای تأکید بر مقایسه فردی در رقابت با دیگران به ایجاد فضای رقابت سالم و مشارکت و تعامل سازنده با دیگران روی آورد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰). اگرچه هدف مدرسه فراهم کردن زمینه رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان است، اما کاملاً مشخص است که مدرسه در این راستا قادر مطلق نیست و به یاری و مشارکت دیگر بخش‌های جامعه نیازمند است؛ لذا ضرورت دارد که برای تحقق‌پذیری تربیت همه جانبه دانش‌آموزان و تحقق یافتن اهداف تربیت رسمی و عمومی کشور بخش‌های دیگر جامعه نیز به کمک مدرسه بیایند. در سالهای اخیر، نظام آموزش و پرورش کشور ما با مشکلاتی متعدد روبه‌رو بوده است. حل این مشکلات و برطرف کردن کاستیهای آن، مستلزم فراهم آوردن محیط آموزشی مناسب همراه مشارکت همه اعضای مدرسه در امور جاری است. نتایج پژوهش ماکلا و همکاران (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که مشارکت دانش‌آموزان و دیگر اعضای محلی مدرسه می‌تواند در برطرف کردن کاستیها و بهبود خدمات مدرسه سهمی بسزا داشته باشد. ماکالا در پژوهشی دیگر نشان داد که مشارکت فراگیران در طراحی محیط‌های یادگیری به بهبود کیفیت طراحی، فرهنگ مشارکت و یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کند (ماکلا، ۲۰۱۸).

مشارکت و تعاون در حکم یک رویکرد نوین تاکنون به‌طور مطلوبی در مدارس ایران تجربه نشده است. متأسفانه به‌طور معمول افرادی در مورد امور مدرسه تصمیم می‌گیرند که هیچ‌گاه مانند معلمان و

دانش‌آموزان به‌طور مستقیم با آن محیط در ارتباط نیستند (اشرفی، ۱۳۹۴). در حال حاضر چیزی که در این رابطه نمایان است، مشارکت کم ذی‌نفعان، در تصمیم‌گیریهایی مربوط به مدرسه است (حمزوی، ۱۳۸۹) و متأسفانه تصمیمات اساسی در مورد اداره مدارس را افرادی اتخاذ می‌کنند که به‌طور مستقیم با مدارس در ارتباط نیستند (افروزه و ثقفی، ۱۳۹۹). با توجه به تأکید سند تحول بنیادین، به موضوع مشارکت و تعاون در مدرسه و اینکه در مدارس به موضوع مشارکت و تعاون آن‌گونه که باید پرداخته نشده، انجام پژوهش‌هایی در این زمینه از اهمیت و ضرورت برخوردار است، چرا که اکثر پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است تک‌بعدی بوده (مانند پژوهش نوروزنژاد قادی و همکاران، ۱۳۹۸؛ افروزه و ثقفی، ۱۳۹۹) و به یکی از جنبه‌های مشارکت در مدرسه مانند مشارکت والدین در آموزش فرزندان پرداخته است. یکی از چالش‌ها در بحث مشارکت و تعاون، نقصان درک مشترک از مفهوم دقیق مشارکت و ابعاد آن است (مارچینگتون^۱، ۲۰۰۵) و درباره مفهوم مشارکت و چگونگی آن در میان افراد گوناگون تنوع وسیعی دیده می‌شود. با اینکه درباره مشارکت و تعاون در مدرسه بحث‌های بسیار شده است، اما میان افراد گوناگون درباره مشارکت توافقی قابل ملاحظه وجود ندارد. این عدم توافق ناشی از آن است که هر یک از افراد مشارکت را بر حسب اهدافی تعریف می‌کنند که از نظام آموزشی انتظار دارند. نابرابری در درک این مفهوم بین افراد مختلف، آنقدر گسترده است که برخی از آن به‌عنوان مانعی برای درک ماهیت آن اشاره کرده‌اند (نوروزنژاد قادی و همکاران، ۱۳۹۸). معمولاً نوعی ناهماهنگی و ناسازگاری میان دیدگاه‌های افراد متفاوت در مورد مفهوم مشارکت وجود دارد که این مسئله ریشه در نقشها و مسئولیتهای مختلف آنان دارد. مثلاً والدین از آنچه برای فرزندان خودشان بهتر است، حمایت می‌کنند و نه ضرورتاً از آنچه که برای همه یا بیشتر دانش‌آموزان یک کلاس، یک پایه تحصیلی یا یک مدرسه مناسب‌ترین است. همچنین اولیای مدرسه برای تعیین عملکردها و تصمیم‌گیری مبنی بر اینکه چه چیزی برای شمار بیشتری از دانش‌آموزان (نه فقط یک دانش‌آموز) مفید است، مسئولیت دارند. به نظر می‌رسد این ناهماهنگیها علیرغم طبیعی بودن باید به‌صورتی مدیریت شوند که خدشه‌ای بر مشارکت ذی‌نفعان در امور مدرسه وارد نشود (شیربگی و همکاران، ۱۳۹۴). برای کامیابی مشارکت در مدرسه ضرورت دارد که مقدماتی فراهم آید تا معنا و مفهوم مشارکت و ابعاد آن به‌خوبی تحلیل شود و افراد درستی و سودبخشی آن را باور کنند. در واقع نخستین گام برای استقرار مشارکت و تعاون در مدارس، شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مشارکت و تعاون در مدرسه است که تاکنون یک چارچوب مفهومی جامع در این مورد در ایران شکل نگرفته است؛ از این رو، این پژوهش درصدد است تا با شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مشارکت و تعاون در مدرسه، تحقق یافتن مشارکت و تعاون را در مدارس بهبود بخشد و امکان ارزیابی صحیح از وضعیت مشارکت و تعاون در مدرسه و فاصله آن را با وضعیت مطلوب فراهم آورد.

روش پژوهش

رویکرد این پژوهش کیفی و روش آن تحلیل مضمون بود. در این پژوهش ۱۲ نفر از متخصصان دانشگاهی که دارای تجربه کافی و مناسب از موضوع (داشتن تجربه مدیریت یا تدریس در مدارس و حداقل یک اثر پژوهشی در زمینه موضوع) بودند، به روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شدند (جدول ۱). گردآوری داده‌ها (اتمام مصاحبه‌ها) زمانی پایان یافت که دیگر مفاهیمی جدید از داده‌ها استخراج نمی‌شد و داده‌ها شروع به تکرار شدن می‌کردند (اشباع نظری).

جدول ۱. توصیف مصاحبه‌شوندگان بر حسب ویژگیهای جمعیت‌شناختی

ویژگیهای جمعیت‌شناختی	طبقات	فراوانی	درصد
مدرک تحصیلی	دکتری	۱۰	۷۲
	کارشناسی ارشد	۲	۲۸
سابقه مدیریت در مدارس	دارد	۸	۵۷/۶
	ندارد	۴	۴۲/۴
سابقه تدریس در مدارس	دارد	۱۲	۱۰۰
	ندارد	۰	۰
سابقه پژوهشی راجع به موضوع	دارد	۱۲	۱۰۰
	ندارد	۰	۰

ابزار پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختار یافته بود. چارچوب اصلی پرسشهای مصاحبه در مورد ویژگی مشارکت و تعاون و مؤلفه‌های آن در مدرسه بود. سؤالات بعدی نیز بر حسب پاسخهای دریافتی، پرسیده می‌شدند. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش به این صورت انجام شده است که پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، متن مصاحبه به صورت سطر به سطر تحلیل و مضامین پایه در داخل پراگماتیک جملات سطر یادداشت شده است. در گام بعد، مضامین پایه به شیوه مقایسه پیوسته با همدیگر مقایسه شدند تا تشابه معنایی آنان معلوم شود. آنهایی که شباهت مفهومی داشتند در یک گروه قرار داده شدند، با گروه‌بندی مفاهیم پژوهشگر قادر بود تا به ایجاد مضامین سازمان‌دهنده (ملاکها) و فراگیر (ابعاد) بپردازد. برای اطمینان از روایی و پایایی داده‌ها از روشهای گوناگون مانند بررسی مداوم داده‌ها، تحلیل همزمان داده‌ها، بازخورد به مصاحبه‌شوندگان، تخصیص زمان کافی و بازنگری ناظری استفاده شده است. برای رعایت ملاحظات اخلاقی پژوهش، پیش از شروع هر مصاحبه از مشارکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش و ضبط صدا رضایت گرفته شده و درباره اهداف پژوهش، دلیل ضبط کردن مصاحبه‌ها، محرمانه‌ماندن اطلاعات و هویت آنها و حق کناره‌گیری در زمان دلخواه توضیحات لازم داده شده است.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها با ۱۲ نفر از متخصصان مصاحبه شده و مصاحبه به روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در مرحله اول متن مصاحبه‌ها به صورت سطر به سطر تحلیل و مضامین پایه استخراج شدند (جدول ۲).

جدول ۲. مضامین پایه حاصل از تحلیل مضمون مصاحبه‌ها

مشارکت و همکاری میان کلاسهای مختلف؛ مشارکت و همکاری معلمان کلاسهای مختلف؛ درس پژوهی؛ مشارکت و همکاری میان دانش‌آموزان کلاسهای مختلف؛ همکاری دانش‌آموزان کلاسهای مختلف در انجام پروژه مشترک؛ انجام آزمایش مشترک میان دانش‌آموزان کلاسهای مختلف؛ کار عملی مشترک میان - کلاسی؛ بازدید و حضور معلمان در کلاسهای همدیگر؛ تدریس گروهی معلمان؛ تدریس خصوصی دانش‌آموز به دانش‌آموز؛ یادگیری معلمان کلاسهای مختلف از همدیگر؛ پرهیز از فردگرایی؛ پرهیز از رقابتهای مخرب؛ تربیت اجتماعی؛ مشارکت و همکاری دانش‌آموز در کلاس؛ به اشتراک گذاشتن دانسته‌ها؛ کار عملی مشترک؛ آزمایش مشترک؛ انجام کار گروهی و تیمی؛ مشارکت در فرایند یادگیری و مدیریت کلاس؛ مشارکت در بحث نظافت کلاس؛ مشارکت در آبیاری گلدانهای کلاس؛ تدریس همکلاسی به همکلاسی؛ یادگیری مشارکتی؛ به‌وجود آوردن اجتماع مشارکتی؛ نوشتن مشارکتی؛ یادگیری با هم؛ برگزاری کلاس جورچین؛ پژوهشهای گروهی؛ حاکمیت تعامل اجتماعی در کلاس درس؛ موفقیت برای همه؛ راهبردهای یادگیری به کمک همسالان؛ همکاری میان مربیان و متریان؛ پرهیز از مقایسه فردی و رقابت با دیگران در یادگیری؛ ایجاد فضای دوستانه سالم و تعامل سازنده و مؤثر با دیگران؛ رقابت هر فرد با خودش؛ تعالی مداوم ظرفیتهای وجودی خویش؛ همکاری در انجام دادن امور خیر؛ احترام متقابل مربی و متربی؛ احترام متقابل مربی و مدیران؛ احترام متقابل والدین با کادر مدرسه؛ احترام متقابل دانش‌آموز و دانش‌آموز؛ احترام متقابل مدرسه و محله؛ وجود شورای دانش‌آموزی فعال و تصمیم‌گیر؛ وجود شورای معلمان فعال و تصمیم‌گیر؛ وجود شورای بهداشت؛ واگذاری مدیریت امور مدرسه تا حد امکان به دانش‌آموزان و معلمان؛ اختیارات واضح و روشن شوراهای مدرسه؛ اداره مشارکتی مدرسه؛ واگذاری نظم و انضباط مدارس به دانش‌آموزان؛ استفاده مدارس از منابع همدیگر؛ استفاده از کتابخانه همدیگر؛ استفاده مدارس از آزمایشگاه مدارس دیگر؛ استفاده مدارس از امکانات ورزشی و فیزیکی همدیگر؛ استفاده مدارس از سالنهای همدیگر؛ بهره‌گیری از دانش و توانمندی همدیگر؛ تعامل و همکاری مدرسه و خانواده؛ مشارکت والدین در تعیین هدفهای مدرسه؛ برگزاری جلسات مشترک میان معلمان و مسئولان با والدین؛ اختصاص دادن اتاقی مناسب در مدرسه برای برقراری ارتباط بهتر با والدین؛ تشویق والدین به انجام دادن کارهای داوطلبانه؛ بهره‌گیری از پتانسیل والدین در اداره مدرسه؛ تشویق والدین به عضویت در انجمن اولیا و مربیان؛ تشویق والدین به عضویت در شوراهای گوناگون مدرسه؛ مشارکت خانواده در فعالیتهای آموزشی و تربیتی مدرسه؛ ارائه خدمات مشاوره‌ای مدرسه به خانواده‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌زا؛ آشنا کردن دانش‌آموزان با نیازها و وظایف خانواده در چارچوب ارزشهای اسلامی؛ آموزش خانواده؛ درگیر کردن والدین در آموزش و یادگیری؛ همکاری و مشارکت مدرسه با محله؛ مشارکت مدرسه با کتابخانه محله؛ تشویق مسئولان کتابخانه به امانت‌دادن کتاب به دانش‌آموزان؛ استفاده از پتانسیل دانش‌آموزان در مدیریت کتابخانه محله؛ استفاده از امکانات سایر سازمانهای موجود در محله؛ استفاده از توانمندی کسبه و کارگاههای محله برای آموزش و یادگیری؛ دعوت از متخصصان و صاحبان حرفه‌های محله به کلاس و مدرسه؛ بازدید علمی از کارگاهها و مکانهای گوناگون محله؛ حضور مدیران، معلمان و دانش‌آموزان در برنامه‌های گوناگون محله؛ عضویت افراد بانفوذ محله در شوراهای مدرسه؛ بهره‌گیری از پتانسیل خیران و ساکنان مرفه محله؛ استفاده از امکانات ورزشی محله؛ مدرسه محور توسعه محله؛ مدرسه محور تغییرات اجتماعی؛ توسعه اجتماع صالح محلی؛ همکاری مدرسه با مسجد؛ استفاده از کتابخانه مسجد؛ شرکت در دوره‌های برگزار شده در مسجد؛ استفاده از توانمندی روحانیون محله برای آموزشهای مذهبی در مدرسه؛ شرکت دانش‌آموزان در کلاسهای فرهنگی و مذهبی مساجد؛ همکاری و مشارکت با کانونهای مذهبی؛ همکاری و مشارکت با حوزه‌های علمیه؛ همکاری با کتابخانه‌ها؛ همکاری با موزه‌ها؛ حضور مدیران، معلمان و دانش‌آموزان در برنامه‌های محله؛ مشارکت مدرسه با مؤسسات آموزش عالی؛ مشارکت مدرسه با دانشکده‌های علوم قرآنی؛ مشارکت مدرسه با دانشکده‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی؛ مشارکت مدرسه با دانشگاه فرهنگیان و استفاده از امکانات آن؛ مشارکت مدرسه با دانشگاه فرهنگیان در کارورزی دانشجویان؛ همکاری مدرسه با واقفان و خیران؛ اعتقاد به کار شورایی در مدرسه؛ تقویت شورای دانش‌آموزی؛ تقویت و توانمندسازی شورای معلمان؛ دادن اختیارات بیشتر به شوراهای مدرسه؛ مدیریت مشارکتی؛ بهره‌گیری از خرد جمعی در مدیریت مدرسه؛ مدرسه مشارکتی؛ چابک‌کردن ساختار اداری برای مشارکت بیشتر؛ آموزش تعاون و مشارکت.

در گام دوم با رفت و برگشتهایی که میان مضامین پایه و متن مصاحبه‌ها انجام شد، مضامین مشترک و مشابه از نظر معنایی و مفهومی در قالب ۹ مضمون سازمان‌دهنده طبقه‌بندی شدند (جدول ۳).

جدول ۳. مضامین سازمان‌دهنده به تفکیک مضامین پایه

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
حاکمیت جو مشارکتی در مدرسه	مشارکت و تعاون به‌منابه امری مقدس؛ پرهیز از مقایسه فردی و رقابت با دیگران در یادگیری؛ فضای رفاقت سالم و تعامل سازنده و مؤثر با دیگران؛ رقابت هر فرد با خودش؛ تعالی مداوم ظرفیتهای وجودی خویش؛ همکاری در انجام دادن امور خیر؛ احترام متقابل مربی و متربی؛ احترام متقابل مربی و مدیران؛ احترام متقابل والدین با کادر مدرسه؛ احترام متقابل دانش‌آموز و دانش‌آموز.
مشارکت میان - کلاسی	مشارکت و همکاری میان کلاسهای مختلف؛ مشارکت و همکاری معلمان کلاسهای مختلف؛ درس‌پژوهی؛ مشارکت و همکاری میان دانش‌آموزان کلاسهای مختلف؛ همکاری دانش‌آموزان کلاسهای مختلف در انجام دادن پروژه‌های مشترک؛ انجام آزمایش مشترک میان دانش‌آموزان کلاسهای مختلف؛ کار عملی مشترک میان-کلاسی؛ بازدید و حضور معلمان در کلاسهای همدیگر؛ تدریس گروهی معلمان؛ تدریس خصوصی دانش‌آموز به دانش‌آموز؛ یادگیری معلمان کلاسهای مختلف از همدیگر.
مشارکت درون - کلاسی	پرهیز از فردگرایی؛ پرهیز از رقابتهای مخرب؛ تربیت اجتماعی؛ مشارکت و همکاری دانش‌آموزان در کلاس؛ به اشتراک‌گذاشتن دانسته‌ها؛ کار عملی مشترک؛ آزمایش مشترک؛ انجام کار گروهی و تیمی؛ مشارکت در فرایند یادگیری و مدیریت کلاس؛ مشارکت در نظافت کلاس؛ مشارکت در آبیاری گلدانهای کلاس؛ تدریس همکلاسی به همکلاسی؛ یادگیری مشارکتی؛ به‌وجود آوردن اجتماع مشارکتی؛ نوشتن مشارکتی؛ یادگیری با هم؛ برگزاری کلاس جورچین؛ انجام دادن پژوهشهای گروهی؛ حاکمیت تعامل اجتماعی در کلاس درس؛ تلاش برای موفقیت همه؛ راهبردهای یادگیری به کمک همسالان؛ همکاری میان مربیان و متربیان.
مشارکت در سراسر مدرسه	وجود شورای دانش‌آموزی فعال و تصمیم‌گیر؛ وجود شورای معلمان فعال و تصمیم‌گیر؛ وجود شورای بهداشت؛ واگذاری مدیریت امور مدرسه تا حد امکان به دانش‌آموزان و معلمان؛ دادن اختیارات واضح و روشن به شوراهای مدرسه؛ اداره مشارکتی مدرسه؛ واگذاری نظم و انضباط مدارس به دانش‌آموزان.
مشارکت و همکاری با مدارس دیگر	استفاده مدارس از منابع همدیگر؛ استفاده از کتابخانه همدیگر؛ استفاده از آزمایشگاه همدیگر؛ استفاده از امکانات ورزشی و فیزیکی همدیگر؛ استفاده از سالنهای همدیگر؛ بهره‌گیری از دانش و توانمندی همدیگر.
مشارکت مدرسه و والدین	تعامل و همکاری مدرسه و خانواده؛ مشارکت والدین در تعیین هدفهای مدرسه؛ برگزاری جلسات مشترک میان معلمان و مسئولان مدرسه با والدین؛ اختصاص دادن اتاقی در مدرسه برای برقراری ارتباط بهتر با والدین؛ تشویق والدین به انجام دادن کارهای داوطلبانه؛ بهره‌گیری از پتانسیل والدین در اداره مدرسه؛ تشویق والدین به عضویت در انجمن اولیا و مربیان؛ تشویق والدین به عضویت در شوراهای مختلف مدرسه؛ مشارکت خانواده‌ها در فعالیتهای آموزشی و تربیتی مدرسه؛ ارائه خدمات مشاوره‌ای مدرسه به خانواده‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌زا؛ آشناکردن دانش‌آموزان با نیازها و وظایف خانواده در چارچوب ارزشهای اسلامی؛ آموزش خانواده؛ درگیرکردن والدین در آموزش و یادگیری.

جدول ۳. (ادامه)

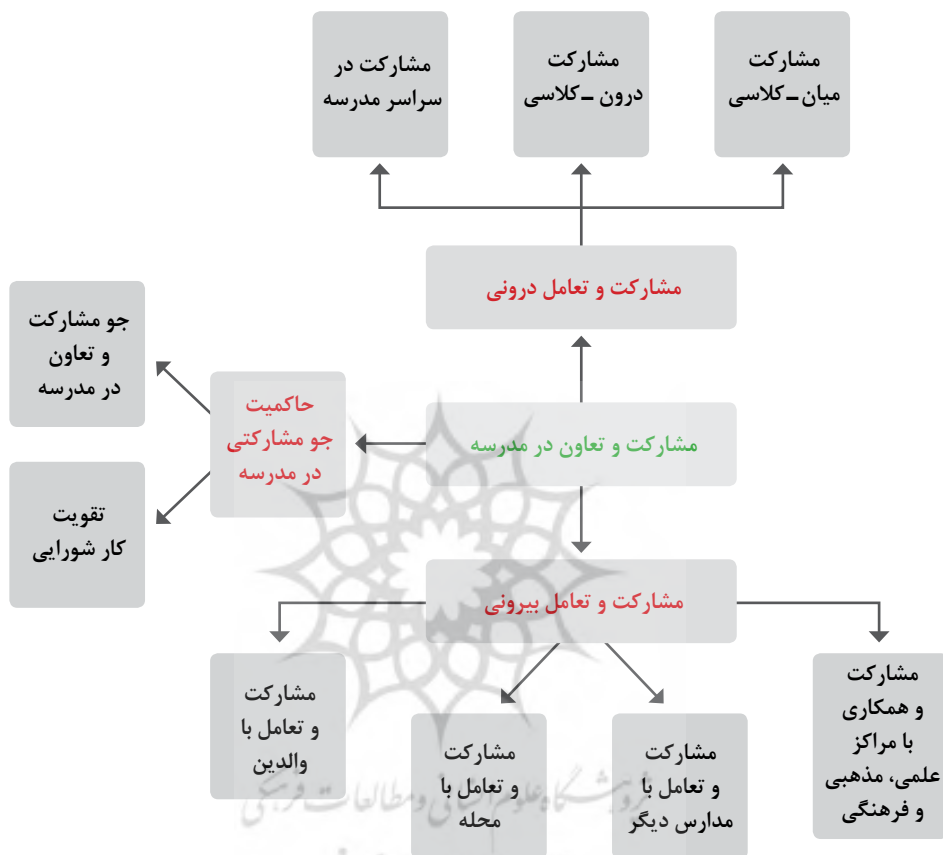
مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
مشارکت مدرسه با محله	همکاری و مشارکت مدرسه با محله؛ مشارکت مدرسه با کتابخانه محله؛ تشویق مسئولان کتابخانه به امانت دادن کتاب به دانش آموزان؛ استفاده از پتانسیل دانش آموزان در مدیریت کتابخانه محله؛ استفاده از امکانات سایر سازمانهای موجود در محله؛ استفاده از توانمندی کسبه و کارگاههای محله برای آموزش و یادگیری؛ دعوت از متخصصان و صاحبان حرفه های محله به کلاس و مدرسه؛ بازدید علمی از کارگاههای و مکانهای مختلف موجود در محله؛ حضور مدیران، معلمان و دانش آموزان در برنامه های مختلف محله؛ عضویت افراد با نفوذ محله در شوراهای مدرسه؛ بهره گیری از پتانسیل خیران و ساکنان مرفه محله؛ استفاده از امکانات ورزشی محله؛ مدرسه محور توسعه محله؛ مدرسه محور تغییرات اجتماعی؛ توسعه اجتماع صالح محلی.
مشارکت مدرسه با مراکز علمی، فرهنگی و مذهبی	همکاری مدرسه با مسجد؛ استفاده از کتابخانه مسجد؛ استفاده از دوره های برگزار شده در مسجد؛ استفاده از توانمندی روحانیون محله برای آموزشهای مذهبی در مدرسه؛ استفاده دانش آموزان از کلاسهای فرهنگی و مذهبی مسجد؛ همکاری و مشارکت با کانونهای مذهبی؛ همکاری و مشارکت با حوزه علمیه؛ همکاری با کتابخانه ها؛ همکاری با موزه ها؛ حضور مدیران، معلمان و دانش آموزان در برنامه های محله؛ مشارکت مدرسه با حوزه های علمیه؛ مشارکت مدرسه با مؤسسات آموزش عالی؛ مشارکت مدرسه با دانشکده های علوم قرآنی؛ مشارکت مدرسه با دانشکده های علوم تربیتی و روان شناسی؛ مشارکت مدرسه با دانشگاه فرهنگیان و استفاده از امکانات آن؛ مشارکت مدرسه با دانشگاه فرهنگیان در کارورزی دانشجو - معلمان؛ همکاری مدرسه با واقفان و خیران.
مدیریت و تصمیم گیری شورایی	ایجاد اعتقاد به کار شورایی در مدرسه؛ تقویت شورای دانش آموزی؛ تقویت و توانمندسازی شورای معلمان؛ دادن اختیارات بیشتر به شوراهای مدرسه؛ مدیریت مشارکتی؛ استفاده از خرد جمعی در مدیریت مدرسه؛ مدرسه مشارکتی؛ چاپک کردن ساختار اداری برای مشارکت بیشتر؛ آموزش تعاون و مشارکت.

در مرحله سوم، به دلیل اینکه مضامین پایه دارای تشابهات معنایی و مفهومی بودند، مجدداً ۹ مضمون پایه در قالب ۳ مضمون فراگیر طبقه بندی شدند (جدول ۴). این مضامین از سطحی بالاتری از انتزاع برخوردار و مرحله ای مهم برای درک معنای مشارکت و تعاون در مدرسه بودند.

جدول ۴. مضامین فراگیر به تفکیک مضامین سازمان دهنده

مضامین فراگیر (ابعاد)	مضامین سازمان دهنده (ملاکها)
حاکمیت جو مشارکتی در مدرسه	● جو مشارکت و تعاون در مدرسه؛ مدیریت و تصمیم گیری شورایی
مشارکت و تعامل درون مدرسه ای	● مشارکت میان - کلاسی، مشارکت درون - کلاسی؛ مشارکت در سراسر مدرسه
مشارکت و تعامل بیرونی	● مشارکت و تعامل با مدارس دیگر؛ مشارکت با محله؛ مشارکت و تعامل با والدین؛ مشارکت و همکاری با مراکز علمی، مذهبی و فرهنگی

مضامین فراگیر (ابعاد) و پایه (ملاکها) در جدول شماره ۴ آورده شده است. در شکل شماره ۱ نیز روابط میان مضامین فراگیر و سازمان دهنده در قالب یک چارچوب مفهومی ترسیم شده است.



شکل ۱. چارچوب مفهومی مشارکت و تعاون در مدرسه

بر اساس چارچوب مفهومی طراحی شده (شکل ۱)، ۳ مضمون فراگیر حاکمیت جو مشارکتی در مدرسه، مشارکت درون - مدرسه‌ای، مشارکت و تعامل بیرونی به عنوان ابعاد و ۲ مقوله تقویت کار شورایی و جو مشارکت و تعاون در مدرسه به عنوان ملاکهای بعد مشارکتی در مدرسه، ۳ مقوله مشارکت و تعامل میان - کلاسی، مشارکت درون - کلاسی و مشارکت در سراسر مدرسه به عنوان ملاکهای بعد مشارکت و تعامل درون - مدرسه‌ای و ۴ مقوله مشارکت و تعامل با مدارس دیگر، مشارکت با محله، مشارکت و تعامل با والدین و مشارکت و همکاری با مراکز علمی، مذهبی و فرهنگی به عنوان ملاکهای بعد مشارکت و تعامل بیرونی مشخص شدند.

■ بحث و نتیجه گیری ■

در این پژوهش ویژگی مشارکت و تعاون در مدرسه در ۳ بعد و ۹ ملاک مورد تبیین قرار گرفته است. یکی از ابعاد مشارکت و تعاون در مدرسه، حاکمیت جو مشارکتی در مدرسه و اشتیاق همه اعضای مدرسه به مشارکت و تعامل است. این بعد از دو ملاک ایجاد جو مشارکت و تعاون و تقویت کار شورایی در مدرسه تشکیل شده است. مشارکت و تعاون در مدرسه یکی از ملاکهای حاکمیت جو مشارکتی در مدرسه است. بر مبنای این ملاک می‌توان نتیجه گرفت که مشارکت و تعاون در امور نیک از ویژگیهای اساسی مدرسه مطلوب است و از آنجا که بنای مدرسه بر مبنای خیر و در راستای زمینه‌سازی برای انجام دادن اعمال خیر است، همکاری و مشارکت در انجام دادن امور خیر بر تمامی ساز و کارهای مدرسه باید حاکم باشد. اگر بپذیریم که مدرسه وضعیتی است که شکل ساده‌ای از حیات طبیعه را به ظهور می‌رساند، تا متریبان آن را تجربه کنند، باید در جو مدرسه مشارکت و تعاون در انجام دادن امور خیر وجود داشته باشد. در واقع در مدرسه باید مشارکت و تعاون به‌مثابه امری مقدس تلقی شود، فضای رفاقت سالم و تعامل سازنده و مؤثر با دیگران حاکم باشد، میان مربی و متربی، مربی و مدیران، والدین با کادر مدرسه، دانش‌آموز و دانش‌آموز و به‌طور کلی میان ارکان مدرسه احترام متقابل وجود داشته باشد. پژوهشگرانی مانند شیرازی (۱۳۹۲) و سرکارآرانی (۱۳۹۴) نیز این نکته را مورد تأکید قرار داده‌اند که جو مدرسه باید مشارکتی و مبتنی بر همکاری و تعامل باشد. مدیریت و تصمیم‌گیری شورایی یکی دیگر از ملاکهای بعد حاکمیت جو مشارکتی در مدرسه است. مدیریت هیچ مدرسه‌ای به تنهایی قادر به برنامه‌ریزی و اجرای برنامه برای تحقق بخشیدن به اهداف مدرسه نیست، بلکه در سایه مشارکت و استفاده از توان فکری و تخصصی کارکنان، معلمان، دانش‌آموزان، والدین و افراد حاضر در محله می‌تواند به موفقیتها و اهداف موردنظر برسد. اگر مدیریت مدرسه اعتقاد به استفاده از نظر و فکر معلمان، دانش‌آموزان، کارکنان، والدین و ... داشته باشد، این اعتقاد تا اعماق مدرسه نفوذ می‌یابد و به‌صورت باورهای مشترک و فرهنگ سازمان در می‌آید و کار مشارکتی و شورایی در عمل شکل می‌گیرد. در مدرسه باید شوراهایی وجود داشته باشند و این شوراها برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در مورد امور گوناگون را هدایت کنند. پژوهشگرانی مانند شیرازی (۱۳۹۲)، کریتنر و کینیکی^۱ (۲۰۰۵)؛ ترجمه فرهنگی و صفرزاده، (۱۳۹۶) نیز بر لزوم مدیریت مشارکتی و شورایی در مدرسه تأکید کرده‌اند.

بعد دوم مشارکت و تعاون در مدرسه، مشارکت و تعامل درون - مدرسه‌ای است که این بعد از ۳ ملاک تشکیل شده است. مشارکت درون - کلاسی یکی از ملاکهای مشارکت و تعامل درون - مدرسه‌ای است. طبق این ملاک، دانش‌آموزان کلاس باید در مدیریت کلاس مشارکت داشته باشند یعنی دانش‌آموزان در فرایند یادگیری و مدیریت کلاس با هم مشارکت کنند؛ مثلاً در زمینه مدیریت کلاس، نظافت کلاس، آبیاری گلدانهای کلاس، انجام دادن پروژه‌ها و آزمایش‌های مشترک با هم همکاری داشته باشند. معلم

1. Kreitner & Kiniki

باید دانش‌آموزان را در فرایند یاددهی - یادگیری مشارکت دهد. دانش‌آموزان را به کارهای گروهی، انجام دادن تکالیف مشترک، آزمایش مشترک، کار عملی مشترک و کنفرانس مشترک تشویق کند. دانش‌آموزان نباید در پی یادگیری فردی باشند، بلکه در آموزش و یاددادن به دیگران هم مشارکت داشته باشند. در واقع در کلاس باید یادگیری مشارکتی رخ دهد، به طوری که همه دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک در یادگیری به هم کمک کنند. پژوهشگرانی مانند سیف (۱۴۰۱)، آقازاده (۱۳۹۳)، شعبانی (۱۳۹۱) و سانتراک^۱ (۲۰۰۸)؛ ترجمه سعیدی و همکاران، (۱۳۹۵)، دی‌کوک^۲ و همکاران (۲۰۰۴)، عابدینی بلترک و همکاران (۱۳۹۴) آویرام^۳ (۲۰۰۰)، فورد^۴ و همکاران (۲۰۰۰، ۲۰۰۷)، دکو همپتون^۵ (۲۰۱۲)، هرینگتون و اولیور^۶ (۲۰۰۰)، پالیزوی^۷ و همکاران (۲۰۱۰)، استریون^۸ (۲۰۰۶) و ویندشیتل^۹ (۲۰۰۲) و بنتهام^{۱۰} (۲۰۱۲)؛ ترجمه موحد، (۱۳۹۱) هم بر لزوم یادگیری مشارکتی در کلاس درس تأکید کرده‌اند. مشارکت میان - کلاسی دیگر ملاک بعد تعامل درون - مدرسه‌ای است؛ به این معنا که میان کلاس‌های مختلف مدرسه باید مشارکت و همکاری وجود داشته باشد. معلم یک کلاس باید با معلمان کلاس‌های دیگر در بحث یاددهی - یادگیری دانش‌آموزان همکاری و مشارکت داشته باشد. دانش‌آموزان کلاس‌های مختلف باید با هم کارهای مشترک انجام دهند. در مدرسه باید فرصتهایی برای سهیم شدن معلمان و دانش‌آموزان کلاس‌های مختلف در تجربه‌های یادگیری و تربیتی یکدیگر فراهم شود. مدل پژوهش و یادگیری در مدرسه باید عملاً بر چرخه یادگیری مشارکتی و گروهی میان - کلاسی استوار باشد. معلمان کلاس‌های مختلف باید ابتدا مشکلات آموزشی و تربیتی را بررسی، سپس طرح پژوهشی مشارکتی خود را برای رفع این مشکلات تهیه و اجرا کنند و با همدیگر به ارزیابی و بازبینی فرایند عمل انجام شده بپردازند. لازم است یادگیری معلمان و کارگزاران آموزشی از یکدیگر به صورت مشارکتی انجام شود و معلمان و کارگزاران آموزشی به توسعه حرفه‌ای همدیگر کمک کنند. پژوهشگرانی مانند سانتراک (۲۰۰۸)؛ ترجمه سعیدی و همکاران، (۱۳۹۵) و کریتنر و کینیکی (۲۰۰۵)؛ ترجمه فرهنگی و صفرزاده، (۱۳۹۶) به اهمیت و ضرورت مشارکت میان - کلاسی تأکید کرده‌اند. ملاک دیگر بعد تعامل درون - مدرسه‌ای، مشارکت در سراسر مدرسه است، یعنی در سراسر مدرسه شوراهای گوناگون مانند شورای دانش‌آموزی، شورای معلمان، شورای بهداشت و... باید وجود داشته باشد و اختیارات این شوراها در مدیریت مدرسه باید افزایش یابد. کارگزاران آموزشی باید احساس کنند که در فرایند اداره مدرسه

1. Santrock
2. de Kock
3. Aviram
4. Ford
5. DeCoux Hampton
6. Herrington & Oliver
7. Polyzois
8. Struyven
9. Windschitl
10. Bentham

مشارکت دارند؛ در این صورت همه کارگزاران مدرسه اهداف مدرسه را با اهداف خود همسان می‌بینند و مقاومتها در برابر تحقق‌پذیری اهداف کاهش می‌یابد. مشارکت و دخالت دادن افراد در تصمیمات مدرسه سبب تحقق یافتن اهداف، ایده‌های نو، تعهد بالای اعضا، رضایت کاری، اعتماد و همسویی گروهی، ارتباطات خوب و مدیریت مشارکتی و حمایتی می‌شود. پژوهشگرانی مانند شیرازی (۱۳۹۲)، کار شورایی و مشارکتی در مدرسه را لازم و ضروری می‌دانند.

سومین بعد چارچوب طراحی مشارکت و تعاون در مدرسه، مشارکت و تعامل بیرونی است که این بعد از ۳ ملاک تشکیل شده است. مشارکت و همکاری با مراکز علمی، مذهبی و فرهنگی یکی از ملاکهای این بعد است. مدارس باید با مراکز علمی و فرهنگی به‌ویژه مساجد، کانونهای مذهبی، حوزه‌های علمیه، کتابخانه‌ها و موزه‌ها، سایر مؤسسات آموزش عالی، دانشکده‌های علوم قرآنی و علوم تربیتی و روان‌شناسی و واقفان همکاری داشته باشند. پژوهشگرانی مانند باقری کراچی و عباس‌پور (۱۳۹۶) به اهمیت و ضرورت مشارکت میان مؤسسات آموزشی و مراکز علمی و فرهنگی اشاره کرده‌اند و در مبانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) نیز بر این امر تأکید شده است. مشارکت و تعامل با مدارس دیگر یکی از ملاکهای دیگر بعد مشارکت و تعامل بیرونی است، به این معنا که مدارس از تجهیزات، امکانات، کارگاهها و آزمایشگاهها، نیروی انسانی، کتابخانه‌ها و سایر امکانات همدیگر استفاده کنند، دوره‌های مشترک آموزشی برای دانش‌آموزان و معلمان برگزار کنند و تجارب خود را از موقعیتهای مختلف با هم به اشتراک بگذارند. پژوهشگرانی مانند نندی^۱ و همکاران (۲۰۰۰) و سیمونسن^۲ و همکاران (۲۰۰۸) به اهمیت همکاری میان مدارس اشاره کرده‌اند و در مبانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) نیز بر این امر تأکید شده است. مشارکت مدرسه و محله سومین ملاک بعد مشارکت و تعامل بیرونی است. طبق این ملاک، مدرسه باید با محله همکاری داشته باشد، باید با کتابخانه محله آشنا باشد و مسئولان کتابخانه را در فراهم‌آوردن کتاب و امانت‌دادن به دانش‌آموزان ترغیب کند. روحانیون محله می‌توانند برای آموزشهای مذهبی به مدرسه بیایند و دانش‌آموزان هم می‌توانند از کلاسهای فرهنگی و مذهبی مسجد استفاده کنند، مدیران، معلمان و دانش‌آموزان می‌توانند در برنامه‌های محله حضور داشته باشند. دانش‌آموزان می‌توانند برای بازدید علمی و نهادینه‌شدن یادگیری از حرفه‌ها و کارگاههای موجود در محله بازدید کنند. مدارس می‌توانند برای نهادینه‌شدن یادگیری دانش‌آموزان از متخصصان و صاحبان حرفه‌ها در محله به کلاس دعوت کنند. همچنین افراد بانفوذ محله را در شوراهای مدرسه عضو کنند و از پتانسیل خیران و ساکنین مرفه محله بهره‌مند شوند. مدرسه، بخشی از جامعه محلی است، بنابراین می‌تواند در جریانهای اجتماعی ناظر به اصلاح مداوم موقعیت، فعال باشد و مشارکت کند و مشارکت بپذیرد. یک بعد از این مشارکت

1. Nandi

2. Simonsen

به این صورت است که مدرسه محور توسعه جامعه محلی باشد. بعد دیگر اینکه مدرسه از همکاری نهادها و مؤسسات، اشخاص حقیقی و حقوقی، که فراهم کننده فرصتهای مکمل و جانبی برای توسعه و تعالی تجارب ارزنده یادگیری اند، بهره مند شود. پژوهشگرانی مانند سیمونسن و همکاران (۲۰۰۸) و کروگر^۱ و همکاران (۲۰۰۴) نیز به لزوم مشارکت مدرسه و محله اشاره کرده اند و در مبانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) نیز بر این امر تأکید شده است. مشارکت و تعامل با والدین آخرین ملاک بعد مشارکت و تعامل بیرونی است. این بعد نشان می دهد که خانواده و مدرسه دو فضای تربیتی مکمل یکدیگرند. والدین باید نقشی تعیین کننده در ساز و کارهای اجرایی تربیت رسمی داشته باشند. لازم است اولیا با معلمان و مدیریت مدرسه ارتباط مستمر داشته باشند و همواره مدرسه محل تردد آنان باشد. بین مدرسه و خانواده باید تعامل و همکاری وجود داشته باشد. مدارس باید در تعیین هدفها از مشارکت والدین استفاده کنند و والدین را به عضویت در انجمن اولیا و مربیان، شوراهای گروههای مربوط به خودشان تشویق کنند. مدارس باید اطلاعات و آموزشهای لازم را در مورد مهارتهای تربیت فرزندان، اهمیت پشتیبانی خانواده و رشد کودک و نوجوان در اختیار والدین قرار دهند. مدرسه باید با خانواده درباره برنامه های مدرسه و پیشرفت فرزندان ارتباط سازنده برقرار کند. برای رسیدن به راهکارهای افزایش مشارکت، مدرسه باید به طور مداوم جلسه مشورتی میان والدین، معلم و کادر مدیریت برگزار کند و برنامه های مدرسه طوری تنظیم شود که والدین به عنوان داوطلب در آن درگیر شوند و بیشتر در جلسات مدرسه شرکت کنند. مدرسه هم باید مهارتهای والدین داوطلب را با نیازهای کلاس و مدرسه سازگار کند. سانتراک (۲۰۰۸)؛ ترجمه سعیدی و همکاران، (۱۳۹۵) و مبانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) این امر را مورد تأکید قرار داده اند.

اگر چه در مدارس ایران مدلهایی مانند مدارس هیئت امنایی برای مشارکت پیشنهاد شده است، ولی باید توجه داشت که در این مدارس بیشتر بعد مشارکت مردمی در تأمین بودجه مالی برجسته است، در حالی که چارچوب مفهومی طراحی شده در این پژوهش همه ابعاد و مؤلفه های مشارکت و تعاون در مدرسه را در بر می گیرد و می تواند محور بهبود مشارکت و تعاون در مدارس قرار گیرد و امکان ارزیابی صحیح از وضعیت مشارکت و تعاون در مدارس متفاوت (از جمله مدرسه هیئت امنایی، انجمن اولیا و مربیان و...) و فاصله آن با وضعیت مطلوب را فراهم و مشخص کند که آیا مدارس مختلف به اهداف خود در راستای مشارکت و تعاون دست یافته اند یا خیر. همچنین فرایند تحقق پذیری مشارکت و تعاون در مدارس فرایندی پیوسته و مداوم است و پس از یک دوره معین باید ارزیابی عملکرد صورت گیرد تا معین شود که مدارس به چه سطحی از مشارکت و تعاون دست یافته اند و بر مبنای این ارزیابی، راهبردها و تصمیم گیریهای آتی را در زمینه مشارکت و تعاون تدوین کنند. در انجام این ارزیابی چارچوب مفهومی طراحی شده در این تحقیق می تواند مبنای قرار گیرد.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- مسئولان مدرسه در زمینه برقراری جو مشارکتی و مبتنی بر تعاون در تمام ابعاد تلاش کنند؛ جوی که مشارکت را تشویق کند و به افراد اجازه دهد تعارضات را بپذیرند، سپس با اظهار نظر در مورد آن سعی کنند در جهت تعارضات کمتر و مشارکت بیشتر گام بردارند.
- تصمیم‌گیری و مدیریت در مدرسه باید شورایی و مشارکتی باشد. به این معنا که مدیران و اعضای مدرسه در تعیین خط‌مشی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مهم با هم مشورت کنند و اختیار و تصمیم‌گیری در انحصار مقامات بالای مدرسه نباشد. مدیران فعالیتهای گروهی و شورایی را تشویق کنند و در دستیابی به اهداف مشترک، ارتقا و بهبود کار شوراها، کاهش درگیریها و بحرانها، برقراری ارتباطات سالم دو نفری، به‌وجود آمدن جو تفاهم و همیاری و رشد شخصیت اعضای شورا و مدرسه مؤثر باشند.
- مدیریت کلاس و یادگیری در مدرسه مشارکتی باشد و همه دانش‌آموزان در گروههای کوچک در یادگیری به هم کمک کنند.
- میان کلاسهای مختلف مدرسه مشارکت و همکاری وجود داشته باشد؛ به این معنا که معلمهای کلاسها در مدیریت یادگیری و کلاسها مشارکت داشته باشند و به ارتقا و توسعه حرفه‌ای همدیگر کمک کنند، دانش‌آموزان کلاسها با همدیگر کارهای مشترک، تکالیف مشترک، آزمایش مشترک و ... انجام دهند.
- همه اعضای مدرسه (دانش‌آموز، مدیر و معلم) در تصمیم‌گیریهای مدرسه مشارکت داشته باشند.
- میان مدرسه و مراکز علمی و فرهنگی مانند مسجد، کانونهای مذهبی، حوزه علمیه، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، دانشکده‌های علوم قرآنی و دانشکده‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی و واقفان همکاری و مشارکت وجود داشته باشد.
- پیشنهاد می‌شود مدارس همجوار از امکانات همدیگر استفاده کنند، آزمایشگاهها و کارگاههای مشترک داشته باشند، از امکانات ورزشی و فیزیکی یکدیگر بهره‌مند شوند، سالن اجتماعات مشترک داشته باشند، جشنها و مراسم مشترک برگزار و از توانمندی هم استفاده کنند.
- مدارس از پتانسیل مراکز و مؤسسات و کسبه و امکانات موجود در محله استفاده کنند.
- میان مدرسه و والدین تعامل و همکاری سازنده وجود داشته باشد.

- آفازاده، محرم. (۱۳۹۳). روشهای نوین تدریس. تهران: آبیژ.
- اشرفی، روشنک. (۱۳۹۴). بررسی ابعاد مختلف طراحی مشارکتی با توجه ویژه به مشارکت در طراحی مدارس. کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری، تبریز: دبیرخانه دائمی کنفرانس.
- افخمی، کرامت‌اله؛ صلواتی، عادل؛ احمدی، کیومرث و ایراندوست، منصور. (۱۳۹۸). تبیین مفهوم مشارکت سازمانی و ارائه الگوی ارزیابی آن در سازمان‌های دولتی. فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، ۱۰ (۳۶)، ۱-۱۶.
- افروزه، لیل و ثقفی، محمدرضا. (۱۳۹۹). مدل پیشنهادی مشارکت کاربر در فرایند برنامه‌دهی مدرسه اجتماعی (مطالعه موردی: دبستان ام‌البنین در محله ملاصدراي اصفهان). هویت شهر، ۱۴ (۴۱)، ۵-۱۶.
- افضل‌خانی، مریم و عبدی پاکروان، مژگان. (۱۳۹۲). بررسی شیوه‌های بهینه در مشارکت اثربخش اولیا و مردم در مدارس. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۰ (۲)، ۱۳۷-۱۴۶.
- باقری کراچی، امین و عباس‌پور، عباس. (۱۳۹۶). بررسی میزان شراکت دانشگاه‌های علوم پزشکی با دیگر بخش‌ها. مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۱۰ (۲)، ۱۴۱-۱۴۸.
- بنتهام، سوزان. (۲۰۱۲). روان‌شناسی کاربردی برای معلمان، ترجمه رابعه موحد (۱۳۹۱). تهران: کتاب ارجمند.
- حمزوی، راضیه. (۱۳۸۹). بررسی کارکرد مدارس اجتماعی، با تاکید بر اندیشه‌های پایدار اجتماعی. نشریه گزارش سازمان نظام مهندسی ساختمان استان فارس، ۱۹ (۶۶)، ۹۹-۹۴.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، (سند مشهد مقدس). تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- سانتراک، جان دبلیو. (۲۰۰۸). روان‌شناسی تربیتی، ترجمه شاهده سعیدی، مهشید عراقچی و حسین دانش‌فر (۱۳۹۵). تهران: رسا.
- سرکارآرانی، محمدرضا. (۱۳۹۴). درس پژوهی: ایده‌های جهانی برای بهسازی آموزش و غنی‌سازی یادگیری. تهران: مرآت.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۴۰۱). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران.
- شعبانی، حسن. (۱۳۹۱). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. تهران: سمت.
- شیرازی، علی. (۱۳۹۲). مدیریت آموزشی: تئوری، تحقیق و کاربرد. تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- شیربگی، ناصر؛ عزیزی، نعمت‌اله و امیری، شیدا. (۱۳۹۴). واکاوی مفهوم «مشارکت و مداخله در آموزش فرزندان» از دیدگاه والدین و معلمان. علوم تربیتی، ۲۲ (۲)، ۲۱-۵۴.
- Doi: <https://doi.org/10.22055/edu.2017.12529.1318>
- طوسی، محمدعلی. (۱۳۸۴). مشارکت در مدیریت و حاکمیت. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- عابدینی بلترک، میمنت؛ منصوری، سیروس؛ اسدنبیا، مهین و میرزاآقایی، مهدی. (۱۳۹۴). رویکرد تدریس مبتنی بر سازنده‌گرایی؛ شیوه مناسب آموزش در علوم پزشکی. پژوهش در آموزش علوم پزشکی، ۷ (۱)، ۷۳-۷۸.
- Doi: 10.18869/acadpub.rme.7.1.73
- قاسمی‌پویا، اقبال. (۱۳۸۱). مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کریتنر، رابرت و کینیکی، آنجلو. (۲۰۰۵). مدیریت رفتار سازمانی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها)، ترجمه علی‌اکبر فرهنگی و حسین صفزاده (۱۳۹۶). تهران: مؤسسه انتشارات و پخش کتاب پیش.
- گوهری، زهره؛ جمشیدی، لاله و امین‌بیدختی، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان. مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۴ (۷)، ۱۳۳-۱۶۲.
- مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- نوابخش، مهرداد و اسمی جوشقانی، زهرا. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های دانش‌آموزی. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۴ (۴)، ۱۰۵-۱۲۲.

نوروزنژاد قادی، محمد؛ سراجی، فرهاد و یوسفزاده چوسری، محمدرضا. (۱۳۹۸). ادراک اولیاء و مدیران از مشارکت والدین در امور مدرسه (مطالعاتی پدیدارشناسانه). *نظریه و عمل در برنامه درسی*، ۷ (۱۴)، ۳۱۹-۳۵۶.

- Aviram, A. (2000). Beyond constructivism: Autonomy-oriented education. *Studies in Philosophy and Education*, 19, 465-448. Doi: 10.1023/a:1005267111741
- DeCoux Hampton, M. (2012). Constructivism applied to psychiatric-mental health nursing: An alternative to supplement traditional clinical education. *International Journal of Mental Health Nursing*, 21(1), 60-68. doi: 10.1111/j.1447-0349.2011.00755.x
- de Kock, A., Sleepers, P., Voeten, J. M. (2004). New learning and the classification of learning environments in secondary education. *Review of Educational Research*, 74(2), 141-170. <https://doi.org/10.3102/00346543074002141>
- Ford, E. J., & Leclerc, D. C. (2000). A constructivist approach to college level economic education. *Review of Radical Political Economics*, 32(3), 482-494. <https://doi.org/10.1177/048661340003200313>
- Ford, E. J., Leclerc, D. C., & Ford, E. J. (2007). A constructivist learning approach to unemployment. *Review of Radical Political Economics*, 39(3), 329-334. <https://doi.org/10.1177/0486613407305280>
- Herrington, J., & Oliver, R. (2000). An instructional design framework for authentic learning environments. *Educational Technology Research and Development*, 48(3), 23-48. <https://doi.org/10.1007/BF02319856>
- Krueger, P. M., Neutens, J., Bienstock, J., Cox, S., Erickson, S., Goepfert, A., ... Metheny, W. (2004). To the point: Reviews in medical education teaching techniques. *American Journal of Obstetrics & Gynecology*, 191(2), 408-411. doi: 10.1016/j.ajog.2004.02.003
- Mäkelä, T. (2018). *A design framework and principles for co-designing learning environments fostering learning and wellbeing*. Unpublished doctoral dissertation. University of Jyväskylä.
- Mäkelä, T., Kankaanranta, M., & Gallagher, C. (2014). Involving students in the redesign of learning environments conducive to learning and wellbeing. In *Proceedings of the 6th Annual Architectural Research Symposium in Finland 2014: Designing and Planning the Built Environment for Human Well-Being* (pp. 268-282). Oulun yliopiston Arkkitehtuurin osasto. Julkaisu / Oulun yliopisto, arkkitehtuurin osasto. A., 61. <https://journal.fi/atut/article/view/46489>
- Marchington, M. (2005). Employee involvement: Patterns and explanations. In B. Harley, J. Hyman, & P. Thompson (Eds.), *Participation and democracy at work: Essays in honour of Harvie Ramsay*. Palgrave, London.
- Nandi, P. L., Chan, J. N., Chan, C. P., Chan, P., & Chan, L. P. (2000). Undergraduate medical education: Comparison of problem-based learning and conventional teaching. *Hong Kong Medical Journal*, 6(3), 301-306.
- Polyzois, I., Claffey, N., & Mattheos, N. (2010). Problem-based learning in academic health education. A systematic literature review. *European Journal of Dental Education*, 14(1), 55-64. doi: 10.1111/j.1600-0579.2009.00593.x
- Sanoff, H. (2009). Research based design of an elementary school. *Open House International*, 34(1), 9-16. <https://doi.org/10.1108/OHI-01-2009-B0002>
- Simonsen, B., Fairbanks, S., Briesch, A., Myers, D., & Sugai, G. (2008). Evidence-based practices in classroom management: Considerations for research to practice. *Education & Treatment of Children*, 31(3), 351-380. <https://doi.org/10.1353/etc.0.0007>
- Struyven, K., Dochy, F., Janssens, S., & Gielen, S. (2006). On the dynamics of students' approaches to learning: The effects of the teaching/learning environment. *Learning and Instruction*, 16(4), 279-294. <https://doi.org/10.1016/j.learninstruc.2006.07.001>
- Windschitl, M. (2002). Framing constructivism in practice as the negotiation of dilemmas: An analysis of the conceptual, pedagogical, cultural and political challenges facing teachers. *Review of Educational Research*, 72(2), 131-175. <https://doi.org/10.3102/00346543072002131>

A Conceptual Framework for Sowing the Seeds of Sharing and Cooperation in Schools

A. Bagheri Keraachi, Ph.D.^{1*}

Abstract

To arrive at a conceptual framework for helping with the development of the attribute of sharing and cooperating among students, the views of 12 experts were sought through semi-structured interviews to the point of saturation. The main intent of the questions asked was the identification of ways of helping with the development of above-mentioned traits. The extracted answers to these questions and their follow-ups were content analyzed to arrive at the following dimensions of the sought framework: The dominance of a cooperative atmosphere, within school cooperation and sharing, and cooperative interaction with the community. Furthermore, for each of these dimensions related sub-dimensions, totaling 9, were identified. The obtained framework can be used by schools and educational planners.

Keywords: School, cooperative atmosphere, sharing, and cooperation at school

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Date Received: Feb. 23, 2023

Date Accepted: July 26, 2023

1. Associate Professor, Department of Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

E-mail: a.bagherikarachi@cfu.ac.ir